

رضا خسروی: | رسالت اقتصاددان



رسالت اقتصاددان

شرایط کنونی کشور خیلی از دغدغه‌مندان و متخصصان علوم اجتماعی و علم اقتصاد را به گوشه رینگ برده است. برخی دولتمردان با زیرکی مسوولیت ندانم‌کاری و بی‌عملی خیره‌کننده چند سال اخیر خود را به اندیشمندان علوم اجتماعی و اقتصاد نسبت می‌دهند. ایجاد چنین فضایی، اقتصاددانان و متخصصان سایر حوزه‌های علوم انسانی را در وضعیت نامطلوبی قرار می‌دهد.

در واقع این یک تراژدی است که اقتصاددانان از سوی دولتی متهم شوند که با بی‌عملی، بیشتر فرصت‌ها را برای اصلاح امور از دست داده و الان در ردیابی مقصر، دیواری کوتاه‌تر از چهره‌های دانشگاهی پیدا نکرده است. اما اقتصاددانان چه واکنشی داشته باشند؟ به نظر می‌رسد بی‌ثمرترین و بدترین روش، اتخاذ راهبرد دفاعی در برابر آماج حمله دولتمردان است. حتی اگر این حمله بدیهیات علم اقتصاد را نشانه

رفته باشد، وظیفه اقتصاددانان در شرایط خطیر امروز، نه دفاع از خود، بلکه ارائه یک نقشه راه و مسیر برون‌رفت از شرایط بحرانی موجود است. در واقع اقتصاددانان باید دولتمردان را به خودشان واگذارند و مستقیم با مردم صحبت کنند. اما این گفت‌وگو با مردم از حیث رویکرد باید صادقانه، شفاف و سازنده باشد. در ارائه روش نیز راهکار پیشنهادی باید اجرایی و علمی باشد تا به درد اوضاع نابسامان اقتصادی کشور بخورد. علاوه بر این اقتصاددانان باید از پیچیده‌سازی بیشتر بحث‌ها خودداری کنند. البته ممکن است برخی بگویند اقتصاددانان که یک حرف مشخص ندارند. از قضا همین تفاوت نظر و راهکار بهانه‌ای در دست دولت‌ها بوده تا اقتصاددانان را متهم به نداشتن اجماع و راهکار عملی مشخص کنند. برای رفع این بهانه و حل مساله پیشنهاد می‌شود اقتصاددانان مشخصا تکلیف خود را با سوالات اساسی و کلیدی زیر مشخص کنند. مردم، رسانه‌ها و بخشی از گروه‌های مرجع مثل دانشجویان نیز باید از هر اقتصاددان متعهدی بخواهند با دلایل علمی و بدون حاشیه‌روی پاسخ این سوالات را بدهد.

- ۱- در شرایط رکود آیا بودجه دولت باید انبساطی باشد یا انقباضی؟
 - ۲- ریشه تورم اخیر، پولی و طرف تقاضا است یا ناشی از فشار هزینه و عرضه است یا ترکیب این دو؟
 - ۳- در وضعیت کنونی اقتصاد ایران و در نبود درآمدهای نفتی دولت باید به سمت اخذ مالیات رود یا اینکه از انبوه نقدینگی موجود در اقتصاد برای انبساط هزینه‌های سرمایه‌گذاری استفاده کند؟
 - ۴- آیا می‌توان در کوتاه‌مدت درآمد مالیاتی را افزایش داد؛ در این صورت سیاست افزایش مالیات در اوضاع کنونی رکود را تشدید نمی‌کند و هزینه تولید را افزایش نمی‌دهد؟
 - ۵- و مهم‌تر از همه، اگر همه این سیاست‌ها به نحو کاملاً بهینه و بدون هیچ اشکالی اجرا شود، نهایتاً به چه میزانی می‌تواند وضعیت اقتصادی کشور را بهبود بخشد؟
- برای آنکه پاسخ‌ها گویاتر و صریح‌تر باشد، باز هم پیشنهاد می‌شود اقتصاددانان در پاسخ خود میان بازه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و سیاست ثبات‌ساز و محرک رشد تمایز قائل شوند و کاملاً دقت کنند تا پیشنهادهای سیاستی‌شان در یک مدل تعادل عمومی و نه جزئی، کاملاً سازگار باشد.

پاسخ مشخص به این سوالها و اعلام موضع در برابر آن به دور از کلی‌گویی رایج در ایران می‌تواند به ترسیم نقشه راهی منجر شود که حداقل به مردم و دغدغه‌مندان، روا و ناروا را در وضعیت کنونی اقتصاد ایران نشان دهد. بنابراین خطاب به اقتصاددانان ایران باید گفت: این گوی و این میدان. پاسخ روشن به این سوالات و توضیح آن برای افکار عمومی به دولتمردان نشان می‌دهد که آیا راه‌حل عملی و غیرپوپولیستی برای خروج از شرایط اخیر وجود دارد؟ اگر این پیام به جامعه منتقل شود، آنان خود از دولتمردان حساب‌کشی می‌کنند.

رضا خسروی